

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

مصاحبه با پرفسور محسن مسرت در دوماهنامه فریدنز ژورنال، جنوری ۲۰۱۹
مصاحبه کننده: کارل هاینز پاپل
برگردان: حمید بهشتی
۰۷ فبروری ۲۰۱۹

تغییر رژیم در ایران به کمک تحریم های سخت؟



درگیری میان ایران و اسرائیل چگونه به وجود آمد و برای کدامیک از دو طرف واقعاً دلیلی برای تهدید و احساس خطر وجود دارد؟

محسن مسرت - درگیری میان ایران و اسرائیل از یک سو از این جهت به وجود آمد که ایران پس از انقلاب اسلامی، علیه اشغال فلسطین توسط اسرائیل موضعگیری نمود و از سوی دیگر به این دلیل که اسرائیل با انبوه تسلیحات اتمی در نقش تنها قدرت اتمی در "خاورمیانه و نزدیک" تهدیدی روشن برای ایران نیز می باشد. چنین است که می توان از تهدید دوجانبه ای سخن گفت که با سقوط نظام سلطنتی در ایران به وجود آمد. فزون بر این آشکار است که اسرائیل در نقش تنها قدرت اتمی در خاورمیانه و نزدیک با احتمال نزدیک به یقین در به وجود آمدن برنامه هسته ای ایران نقش محوری داشته است. امریکا و اتحادیه اروپا بی اعتناء به این واقعیت به جای اینکه راهکار جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته ای از طریق ایجاد منطقه خالی از تسلیحات اتمی را در پیش گیرند، این را برگزیدند که یک جانبه ایران را از دستیابی به سلاح های هسته ای بازدارند و بدینگونه از انحصار اتمی اسرائیل که متحد آنهاست حمایت نمایند.

در این وضعیت احتمال برخورد نظامی تا چه میزان است؟

محسن مسرت - اسرائیل از زمانی که ایران برنامه هسته ئی خود را آغاز نمود از تمامی کوششهای امریکا برای تعویض رژیم ایران حمایت می کند. در این میان عربستان سعودی نیز در همین جهت کاملاً در کنار اسرائیل قرار گرفته است. هر دو کشور بشدت خواهان تغییر رژیم در ایران اند و در حالت ضروری حتا از طریق جنگ. اما آنها به هیچ وجه خودشان به تنهایی جرأت این اقدام را نداشته، در عین حال هیچ وقفه ای در مشارکت در جنگ علیه ایران نخواهند کرد. این نیز قابل تصور است که اسرائیل یا عربستان سعودی هر کدام به تنهایی به تحریکاتی برای ایجاد برخورد نظامی بپردازد، البته به این امید که آنگاه برای امریکا گزینش دیگری به جز مشارکت در جنگ باقی نماند. اما این که آیا امریکا علی رغم جنگ طلبی های جان بولتون و مایک پومپئو در تیم ترمپ، خود را آماده برای جنگ با ایران بباید و یک چنین جنگی را با تمامی عواقب آن واقعاً طالب باشد، موضوع دیگریست.

این تقریباً واضح است که قدرتمندان حول مجموعه نظامی صنعتی امریکا طرفدار یک چنین جنگی هستند. اما خود ترمپ همواره آشکارا بیش از بیش از فکر جنگ با ایران دوری می جوید. زیرا غیر از این با اعلام خروج نظامی امریکا از سوریه و افغانستان متناقض است. ترمپ به هر حال با این سخن خود در دسمبر ۲۰۱۸ که امریکا پولیس جهانی در خاورمیانه نیست نشان داد که اهداف دیگری غیر از وارد شدن به جنگی دیگر را در نظر دارد. او با تشدید درگیری هسته ئی و صدور عظیم جنگ افزار به عربستان سعودی و اسرائیل فعلاً صنایع جنگی امریکا را با سفارشات کالاهای تسلیحاتی کافی راضی ساخته و ایجاد شغل را برای حامیانش تضمین نموده است. با اینکار مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه بیش از اندازه تغذیه شده و مبادله هلزونی نفت در مقابل اسلحه برای سالها به راه افتاده است. لذا جنگی علیه ایران می تواند سالها به عقب افتد و شاید این دلیل سکوت نارضایانه اسرائیل و عربستان سعودی باشد که این دو کشور در قبال سیاست ترمپ اتخاذ نموده اند.

ظاهراً ترمپ روی این حساب می کند که اقدامات آغاز شده در مرحله دوم تحریم های اقتصادی و مالی علیه ایران در نوامبر ۲۰۱۸ این کشور را به زانو در آورد. این حساب چه قدر واقع بینانه است؟

محسن مسرت - ایران با تحریم های امریکا از زمان انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹ تجربه ای طولانی دارد. حتا اوپاما نیز صدور نفت ایران را تحریم نمود که این پس از اجرای قرارداد هسته ئی منفعل گشت. البته باید روی این حساب کرد که صادران نفت ایران از سه میلیون بشکه در روز – مانند تحریم های زمان اوپاما – به نیم این میزان تقلیل یابد. اما به احتمال قوی درآمد نفت ایران کاملاً قطع نخواهد شد. مؤید این فرض آن است که در وضعیت فعلی تحریم های شدید، هشت کشور از جمله چین، جاپان، هند و کوریای جنوبی و لذا مهم ترین وارد کنندگان نفت ایران مشمول این تحریم ها نیستند – که به ظاهر نفوذ مستقیم نیروهای میانه رو در تیم ترمپ یا متأثر از نفوذ متحدین اروپایی موجب آن می باشد. ترمپ به احتمال بسیار علی رغم خروج نظامی از سوریه و از کل منطقه به سیاست تضعیف جمهوری اسلامی از طریق تحریم های اقتصادی و تحریکات سیاسی ادامه داده و بر بحران دائمی ایران خواهد افزود.

در گذشته شورش هائی سیاسی علیه نخبگان جمهوری اسلامی بارها وجود داشته است. تحریم های اخیر مطمئناً می تواند مجدداً نارضایتی را در میان مردم تشدید نماید. این ها چه تحولات سیاسی را در ایران می توانند ایجاد نمایند؟

محسن مسرت - صدای نارضایتی اکثریت مردم ایران به آسمان می رسد؛ نه به خاطر تحریم های اخیر امریکا، بلکه بیش از همه به خاطر سیاستهای نئولیبرالیستی جابه جایی ثروت از پائین به بالا و به خاطر فساد سرسام آور. جمهوری اسلامی ماههاست با امواج اعتصابات مواجه است، زیرا شرکت های دولتی و خصوصی قادر به پرداخت حقوق

کارکنان خود نیستند. با اینحال نارضایتی عظیم مردم به دلیل فقدان آلترناتیو سیاسی موجب تقویت اپوزیسیون سیاسی در مقابل نخبگان قدرتمند نگشته است. اما احتمال قیام خودجوش و لحظه ای وجود دارد که می تواند به همه جا سرایت نماید. در یک چنین وضعیتی من احتمال می دهم که پاسداران که قدرتی قوی در جمهوری اسلامی هست تحت حمایت مستقیم رهبر، دولت منتخب را برکنار نموده و خود قدرت را به دست گیرد تا با اصلاحاتی اندک خاطر مردم را آرام ساخته و عواقب سهمگین اقتصادی و اجتماعی سیاست های رئیس جمهور، روحانی را برطرف سازد. اما این قدرت جایگزین در درجه اول در خدمت تثبیت نظام خواهد بود و با سرکوب مجدد مخالفان که ضعیف نیز هستند همراه خواهد بود. به هر حال تناسب واقعی قدرت امکان تغییر رژیم از درون را برای مدتی نامعلوم ناممکن ساخته است.

در این وضعیت مشکل، المان و اتحادیه اروپا چه نقشی را می توانند ایفاء نمایند؟ یا این که آیا اتحادیه اروپا در مقابل امریکا کاملاً زانو زده است؟

محسن مسرت - برای ترمپ کار مشکلی خواهد بود که علی رغم مخالفت اتحادیه اروپا وی بتواند در درون امریکا اجماع عمومی را برای شروع جنگ با ایران به وجود آورد. به همین دلیل اتحادیه اروپا باید هم اکنون اعلام نماید که با جنگ علیه ایران مخالف بوده و وارد چنین جنگی هم نخواهد شد.

سرانجام و در پایان می باید اتحادیه اروپا در رابطه با درگیری توافق هسته ای با ایران اعلام نماید، هر چه زودتر کنفرانس ملل متحد برای منطقه ای خالی از سلاح های کشتار جمعی در خاور میانه و نزدیک را که در سال ۲۰۱۲ از جانب امریکا و اسرائیل از آن جلوگیری شد تجدید نماید. البته لازمه آن اینست که ساختار نادرست تصمیم گیری ملل متحد که مشارکت تمامی طرف های دخیل در امر را شرط آغاز کنفرانس قرار داده است، برطرف گردد. همین پیش شرط بود که از جانب امریکا و اسرائیل از طریق وتو، برای جلوگیری از تشکیل کنفرانس مورد سوء استفاده قرار گرفت. لذا این شرط که موجب جلوگیری از تحرک گشته است باید بدون جایگزین حذف گردد. آنگاه می باید کنفرانس مزبور ابتداء با مشارکت کشورهای موافق، آغاز به کار کرده تا در مراحل بعد تمامی کشورهای دخیل را شامل گردد. این چشم انداز می تواند بخوبی برای بررسی و تنظیم بسیاری از سایر درگیری ها در خاورمیانه و نزدیک، مدل خوبی باشد، از جمله برای درگیری در سوریه. با اینکار می توان به سیاست شکاف و تعمیق مخاصمات دینی و قومی که مدتهاست از خارج بدان ها دامن زده می شود و همچنین به رقابت تسلیحاتی در منطقه و جنگ های بسیار پایان داد.

http://www.frieden-und-zukunft.de/pdf/fj/FJ_2019-1.pdf